

قانون موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بردرآمد بین  
دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری لهستان و پروتکل اصلاحی آن

شماره ۳۵۱/۱۷۸۰۶

۱۳۸۵/۲/۱۲

جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد  
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

لایحه موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بردرآمد بین دولت جمهوری  
اسلامی ایران و دولت جمهوری لهستان و پروتکل اصلاحی آن که از سوی دولت به شماره ۳۲۲۲۶/۶۸۶۱۴  
مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۴ به مجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۸۵/۱/۲۰ مجلس  
عیناً تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی  
جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می گردد.

رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل

شماره ۱۳۵۰۲

۱۳۸۵/۲/۲۵

وزارت امور اقتصادی و دارایی

قانون موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه بین دولت  
جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری لهستان و پروتکل اصلاحی آن که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ  
بیستم فروردین ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۵/۲/۶ به  
تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۳۵۱/۱۷۸۰۶ مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۲ مجلس شورای اسلامی واصل  
گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد.

رئیس جمهور - محمود احمدی نژاد

قانون موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بردرآمد بین دولت جمهوری اسلامی

## ایران و دولت جمهوری لهستان و پروتکل اصلاحی آن

**ماده واحده -** موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بردرآمد بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری لهستان مشتمل بر یک مقدمه، بیست و هشت ماده و پروتکل اصلاحی آن به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود

**تبصره -** هزینه‌های مالی موضوع بند (۳) ماده (۱۱) موافقتنامه مجوز کسب درآمد غیرقانونی از جمله ربا محسوب نمی‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بردرآمد بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری لهستان

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری لهستان که از این پس دولتهای متعاهد نامیده می‌شوند، با تمایل به انعقاد موافقتنامه‌ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیات بر درآمد به شرح زیر توافق نمودند:

### ماده ۱- اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولتهای متعاهد یا هر دو آنها باشند.

### ماده ۲- مالیاتهای موضوع موافقتنامه

۱- این موافقتنامه شامل مالیات بردرآمدی است که صرفنظر از نحوه اخذ آن، از سوی هر دولت

متعاهد یا تقسیمات فرعی اداری یا مقامات محلی آن وضع می‌گردد.

۲- مالیات بر درآمد عبارت است از مالیات بر کل درآمد یا اجزاء درآمد از جمله مالیات بر درآمدهای

حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیرمنقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۳- مالیاتهای موجود مشمول این موافقتنامه عبارتند از:

الف - در مورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات مستقیم بر درآمد

ب - در مورد جمهوری لهستان:

- مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی، و

- مالیات بر درآمد شرکتها

(که از این پس مالیات جمهوری لهستان نامیده می شود)

۴- این موافقتنامه شامل مالیاتهایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیاتهای موجود بوده و بعد از امضای این موافقتنامه به آنها اضافه و یا به جای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد، ظرف مدت معقولی یکدیگر را از هر تغییری که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

### ماده ۳- تعاریف کلی

۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضا نماید، معانی

اصطلاحات به قرار زیر است :

الف - اصطلاح « یک دولت متعاقد » و « دولت متعاقد دیگر » بنا به اقتضای متن به جمهوری اسلامی ایران یا جمهوری لهستان اطلاق می شود.

- اصطلاح « جمهوری اسلامی ایران » به قلمرو تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می شود.

- اصطلاح « جمهوری لهستان »، هرگاه در یک مفهوم جغرافیایی بکار رود اطلاق می شود به قلمرو

جمهوری لهستان شامل هر منطقه ماوراء آبهای سرزمینی آن، که در آن به موجب قوانین لهستان و مطابق با حقوق بین الملل، لهستان می تواند حقوق حاکمیت خود را بر بستر دریا، زیر خاک آن و منابع طبیعی آنها اعمال نماید.

ب - اصطلاح « مالیات » به کلیه مالیاتهای مشمول ماده (۲) این موافقتنامه، اطلاق می شود.

ج - اصطلاح « شخص » شامل شخص حقیقی، شرکت یا هر مجموعه دیگری از افراد می باشد.

د - « شرکت » اطلاق می شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص

حقوقی محسوب می شود.

ه - دفتر ثبت شده به مفهوم دفتر مرکزی ثبت شده طبق قوانین مربوط هر دولت متعاقد می باشد.

و - « مؤسسه یک دولت متعاقد » و « مؤسسه دولت متعاقد دیگر » به ترتیب به مؤسسه ای که به

وسیله مقیم یک دولت متعاقد و مؤسسه ای که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می گردد اطلاق می شود.

ز - « حمل و نقل بین المللی » به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی، قایق، وسائط نقلیه هوایی، جاده ای

و راه آهن اطلاق می شود که توسط مؤسسه یک دولت متعاقد انجام می شود، به استثنای مواردی که کشتی، قایق،

وسائط نقلیه هوایی، جاده ای و راه آهن صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در دولت متعاقد دیگر استفاده

شود.

ح - «مقام صلاحیتدار» :

- درمورد جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می‌شود.

- درمورد جمهوری لهستان به وزیر دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می‌شود.

ط - اصطلاح «تبعه» اطلاق می‌شود به :

- هر شخص حقیقی که دارای تابعیت یک دولت متعاقد باشد.

- هر شخص حقوقی، که وضعیت قانونی خود را به موجب قوانین جاری در یک دولت متعاقد کسب

نماید.

۲- در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای

معنای به کار رفته در قوانین آن دولت متعاقد راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه است، به جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه‌ای دیگر باشد.

**ماده ۴- مقیم :**

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاقد» به هر شخصی اطلاق می‌شود که به

موجب قوانین آن دولت متعاقد، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاقد باشد،

وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف - او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن، محل سکونت دائمی در اختیار دارد. اگر او در هر دو

دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن علایق شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی).

ب - هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا چنانچه او در هیچ یک

از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا بسر می‌برد.

ج - هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاقد بسر برد یا در هیچ یک بسر نبرد، مقیم دولتی تلقی

می‌شود که تابعیت آن را دارد.

د - هرگاه او تابعیت هیچ یک از دو دولت متعاقد را نداشته باشد موضوع با توافق مقامات صلاحیتدار

دو دولت متعاقد حل و فصل خواهد شد.

۳- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده شخصی غیر از شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، آن شخص، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که دفتر ثبت شده وی در آن واقع است.

#### ماده ۵ - مقرر دائم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح « مقرر دائم» به محل ثابتی اطلاق می‌شود که از طریق آن، مؤسسه یک دولت متعاقد کلاً یا جزئاً در دولت متعاقد دیگر به کسب و کار اشتغال دارد.

۲- اصطلاح « مقرر دائم» به‌ویژه شامل موارد زیر است:

الف - محل اداره.

ب - شعبه.

ج - دفتر.

د - کارخانه.

هـ - کارگاه.

و - معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، استخراج و یا بهره‌برداری از منابع

طبیعی.

۳- کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، سوار کردن و یا نصب ساختمان یا فعالیتهای مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، « مقرر دائم» محسوب می‌شوند ولی فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیتها بیش از نه ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

۴- علی‌رغم مقررات قبلی این ماده اصطلاح مقرر دائم شامل موارد زیر نخواهد شد:

الف - استفاده از تأسیسات، صرفاً به منظور انبار کردن، نمایش یا تحویل اجناس یا کالاهای متعلق به

مؤسسه.

ب - نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش یا تحویل.

ج - نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط مؤسسه دیگر.

د - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس، یا گردآوری اطلاعات

برای آن مؤسسه.

هـ - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام تبلیغات، گردآوری اطلاعات، تحقیقات

علمی و یاسایر فعالیتهایی که برای آن مؤسسه دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

و - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیتهای مذکور در جزءهای (الف) تا

(هـ) این ماده، به شرط آن که فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیب، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی

باشد.

۵ - علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده در صورتی که شخصی (غیر از عاملی که دارای وضعیت مستقل بوده و مشمول بند ۶ این ماده است) در یک دولت متعاقد از طرف مؤسسه‌ای فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه باشد و اختیار مزبور را به‌طور معمول اعمال کند، آن مؤسسه در مورد فعالیت‌هایی که این شخص برای آن انجام می‌دهد، در آن دولت دارای مقر دائم تلقی خواهد شد مگر آن که فعالیت‌های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۴) این ماده باشد، که در این صورت آن فعالیت‌ها چنانچه از طریق محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرد به موجب مقررات بند مذکور، این محل ثابت کسب و کار را به مقر دائم تبدیل نخواهد کرد.

۶ - مؤسسه یک دولت متعاقد صرفاً به سبب آن که در دولت متعاقد دیگر از طریق حق‌العملکار، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور می‌پردازد، دارای مقر دائم در آن دولت متعاقد دیگر تلقی نخواهد شد مشروط بر آن که عملیات اشخاص مزبور در جریان عادی کسب و کار آنان صورت گیرد. مع‌ذلک، هرگاه فعالیت‌های چنین عاملی به طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تخصیص یافته باشد، در حدود معنای این بند، او به عنوان عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷ - صرف این که شرکت مقیم یک دولت متعاقد، شرکت مقیم و یا فعال در دولت متعاقد دیگر را کنترل می‌کند و یا تحت کنترل آن قرار دارد (خواه از طریق مقر دائم و خواه به نحو دیگر) به خودی خود برای این که یکی از آنها مقر دائم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.

#### ماده ۶ - درآمد حاصل از اموال غیر منقول

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاقد دیگر از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر خواهد بود.

۲- اصطلاح « اموال غیر منقول » دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعاقدی که اموال مزبور در آن قرارداد آمده است. این اصطلاح بهر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیر منقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی، در مورد آنها اعمال می‌گردد، حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداخت‌های ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق انجام کار، ذخائر معدنی، چاه‌های نفت یا گاز، معادن سنگ و سایر مکان‌های استخراج منابع طبیعی از جمله الوار یا سایر محصولات جنگلی خواهد بود. کشتی‌ها، قایق‌ها، وسائط نقلیه هوایی یا جاده‌ای و راه‌آهن بعنوان اموال غیر منقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده

از اموال غیرمنقول جاری خواهد بود.

۴- مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مؤسسه و درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد شد.

### ماده ۷- درآمدهای تجاری

۱- درآمد مؤسسه یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این مؤسسه از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاهد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد.

چنانچه مؤسسه از طریق مزبور به کسب و کار بپردازد درآمد آن مؤسسه فقط تا حدودی که مرتبط با مقر دائم مذکور باشد، مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۲- با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، در صورتی که مؤسسه یک دولت متعاهد از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاهد دیگر فعالیت نماید، آن مقر دائم در هر یک از دو دولت متعاهد، دارای درآمدی تلقی می‌شود که اگر به صورت مؤسسه‌ای متمایز و مجزا و کاملاً مستقل از مؤسسه‌ای که مقر دائم آن است به فعالیت‌های نظیر یا مشابه در شرایط نظیر یا مشابه اشتغال داشت، می‌توانست تحصیل کند.

۳- در تعیین درآمد مقر دائم، هزینه‌های قابل قبول از جمله هزینه‌های اجرایی و هزینه‌های عمومی اداری تا حدودی که این هزینه‌ها برای مقاصد آن مقر دائم تخصیص یافته باشد، کسر خواهد شد، اعم از آنکه در دولتی که مقر دائم در آن واقع شده است انجام پذیرد یا در جای دیگر.

۴- چنانچه در یک دولت متعاهد روش متعارف برای تعیین درآمد قابل تخصیص به مقر دائم براساس تسهیم کل درآمد مؤسسه به بخش‌های مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) این ماده مانع بکار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاهد، برای تعیین درآمد مشمول مالیات نخواهد شد. در هر حال نتیجه روش تسهیمی متخذ باید با اصول این ماده تطابق داشته باشد.

۵- صرف آنکه مقر دائم برای مؤسسه جنس یا کالا خریداری می‌کند، موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقر دائم نخواهد بود.

۶- درآمد منظور شده برای مقر دائم سال به سال به روش یکسان تعیین خواهد شد مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷- در صورتی که درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مفاد این ماده خدشه‌ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.

### ماده ۸- حمل و نقل بین‌المللی

درآمد حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاهد بابت استفاده از کشتی‌ها، قایق‌ها، وسائط نقلیه هوایی

یا جاده‌ای و راه‌آهن، در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

#### ماده ۹ - مؤسسات شریک

۱- در صورتی که:

الف - مؤسسه یک دولت متعاقد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشد.

یا

ب - اشخاصی واحد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاقد و مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشند و شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است. در آن صورت هرگونه درآمدی که باید عاید یکی از این مؤسسات می‌شد، ولی به علت آن شرایط، عاید نشده است می‌تواند جزو درآمد آن مؤسسه منظور و مشمول مالیات متعلقه شود.

۲- در صورتی که یک دولت متعاقد درآمدهایی که در دولت متعاقد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت متعاقد دیگر مالیات اخذ شده، جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو مؤسسه حاکم بود، عاید مؤسسه دولت نخست می‌شد، در این صورت آن دولت متعاقد دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد، تعدیلی مناسب به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی، سایر مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

#### ماده ۱۰ - سود سهام

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر مشمول

مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- معذک، این سود سهام ممکن است در دولت متعهادی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتی که دریافت کننده، مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه از هفت درصد (۷٪) مبلغ ناخالص سود سهام تجاوز نخواهد کرد.

۳- اصطلاح «سود سهام» در این ماده اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام مؤسسه یا سایر حقوق (به استثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع) و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم کننده درآمد مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می‌گردد.



۴- هرگاه مالک منافع سود سهام، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دائم واقع در آن، به فعالیت شغلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مرتبط با این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) این قانون، حسب مورد مجری خواهد بود.

۵- در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاقد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر تحصیل کند، آن دولت متعاقد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت متعاقد دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مرتبط با مقر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر باشد) و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت متعاقد دیگر تشکیل شود.

#### ماده ۱۱ - هزینه‌های مالی

۱- هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- مع ذلک، این هزینه‌های مالی ممکن است در دولت متعهادی که حاصل شده و طبق قوانین آن نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده مالک منافع هزینه‌های مالی باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳- اصطلاح « هزینه‌های مالی » به نحوی که در این ماده به‌کار رفته است به‌درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آنکه دارای وثیقه و یا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد و بخصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می‌گردد. جریمه‌های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.

۴- علی‌رغم مقررات بند (۲) این ماده، هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که توسط دولت متعاقد دیگر، وزارتخانه‌ها، سایر مؤسسات دولتی، شهرداریها، بانک مرکزی و سایر بانکهایی که کلاً متعلق به دولت متعاقد دیگر می‌باشد، کسب می‌شود، از مالیات دولت نخست معاف خواهد بود.

۵- هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقر دائم فعالیت شغلی داشته باشد یا در دولت متعاقد دیگر

از طریق پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دینی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مربوط به این مقرر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) این قانون مجری خواهد بود.

۶- هزینه‌های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاقد تلقی خواهد گردید که پرداخت کننده خود دولت، تقسیم فرعی اداری، مقام محلی، یا فردی مقیم آن دولت باشد. مع‌ذلک، در صورتی که شخص پرداخت کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد و در ارتباط با دینی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقرر دائم یا پایگاه ثابت بوده و پرداخت این هزینه‌های مالی برعهده آن مقرر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه‌های مالی مذکور در دولت متعاقد محل وقوع مقرر دائم یا پایگاه ثابت حاصل شده است.

۷- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه‌های مالی که در مورد مطالبات دینی پرداخت می‌شود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

## ماده ۱۲ - حق الامتیاز

۱- حق الامتیازهایی که در یک دولت متعاقد حاصل و به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده،

مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- مع‌ذلک، این حق الامتیازها ممکن است در دولت متعاقدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده، مالک منافع حق الامتیاز باشد، مالیات متعلقه بیش از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.

۳- اصطلاح «حق الامتیاز» در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلم‌های سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی اطلاق می‌شود.

۴- هرگاه مالک منافع حق الامتیاز، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق الامتیاز

حاصل می‌شود از طریق مقرر دائم، فعالیت شغلی داشته باشد، یا در دولت متعاقد دیگر از طریق پایگاه ثابت

خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق الامتياز نسبت به آنها پرداخت می‌شود به طور مؤثری با این مقر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) این قانون مجری خواهد بود.

۵ - حق الامتياز در یک دولت متعاقد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت کننده، خود

آن دولت، تقسیم فرعی اداری، مقامی محلی یا فردی مقیم آن دولت باشد. مع ذلک در صورتی که، شخص پرداخت کننده حق الامتياز (خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد) در یک دولت متعاقد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابتی باشد که حق یا اموال موجد حق الامتياز به نحوی مؤثر با آن مقر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته و پرداخت حق الامتياز برعهده مقر دائم یا پایگاه ثابت مذکور باشد، حق الامتياز در دولت متعاقدی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

۶ - چنانچه به سبب وجود رابطه‌ای خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخص دیگری، مبلغ حق الامتيازی که با در نظر گرفتن استفاده، حق استفاده یا اطلاعاتی که بابت آنها حق الامتياز پرداخت می‌شود، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در این گونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

#### ماده ۱۳ - عواید سرمایه‌ای

۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال اموال غیرمنقول مذکور در ماده (۶)

این قانون که در دولت متعاقد دیگر قرار دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسائل کسب و کار مقر دائم مؤسسه یک

دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر می‌باشد، یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعاقد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر می‌باشد، شامل عواید ناشی از نقل و انتقال مقر دائم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت مزبور، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۳- عواید حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاقد از نقل و انتقال کشتی‌ها، قایق‌ها، وسایط نقلیه

هوایی یا جاده‌ای یا راه‌آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی‌ها، قایق‌ها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای یا راه‌آهن، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود که دفتر ثبت شده مؤسسه در آن واقع است.

۴ - عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق شراکتی در شرکتی که دارایی آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم عمدتاً از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعاهد دیگر تشکیل شده است، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می شود.

۵ - عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) این ماده فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

#### ماده ۱۴ - خدمات شخصی مستقل

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیت‌های مستقل، فقط در آن دولت متعاهد مشمول مالیات خواهد بود مگر آنکه آن شخص به منظور ارائه فعالیت خود به طور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعاهد دیگر در اختیار داشته باشد که در این صورت این درآمد فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت باشد، مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر خواهد بود.

۲- اصطلاح «خدمات حرفه‌ای» به ویژه شامل فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، پرورشی، آموزشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، مهندسان، وکلای دادگستری، دندانپزشکان، معماران و حسابداران می باشد.

#### ماده ۱۵ - خدمات شخصی غیرمستقل

۱- با رعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰) این موافقتنامه، حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابهی که مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدام دریافت می‌دارد فقط مشمول مالیات همان دولت می‌باشد مگر آن که استخدام در دولت متعاهد دیگر انجام شود که در این صورت حق‌الزحمه حاصل از آن مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۲- علی‌رغم مقررات بند (۱) این ماده، حق‌الزحمه مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدامی که در دولت متعاهد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت نخست خواهد بود مشروط بر آنکه:

الف - جمع مدتی که دریافت‌کننده در یک یا چند نوبت در دولت متعاهد دیگر بسر برده است از یکصد و هشتاد و سه روز، در دوره دوازده‌ماهه‌ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد تجاوز نکند، و

ب - حق‌الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت متعاهد دیگر نیست پرداخت شود، و

ج - پرداخت حق‌الزحمه برعهده مقر دائم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در دولت متعاهد دیگر دارد.

۳- علی‌رغم مقررات یاد شده در این ماده حق‌الزحمه پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاهد در

ارتباط با استخدام در کشتی، قایق، وسائط نقلیه هوایی یا جاده‌ای و راه‌آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی مشمول مالیات دولت متعاهدی می‌شود که دفتر ثبت شده مؤسسه در آن واقع است.

#### **ماده ۱۶ - حق الزحمه مدیران**

حق‌الزحمه مدیران و پرداختهای مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاهد به لحاظ سمت خود به‌عنوان عضو هیأت مدیره شرکت مقیم دولت متعاهد دیگر تحصیل می‌نماید، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

#### **ماده ۱۷ - هنرمندان و ورزشکاران**

۱- درآمدی که مقیم یک دولت متعاهد به‌عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون یا موسیقیدان یا به‌عنوان ورزشکار بابت فعالیتهای شخصی خود در دولت متعاهد دیگر حاصل می‌نماید، علی‌رغم مقررات مواد (۱۴) و (۱۵) این موافقتنامه مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۲- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگرفته و عاید شخص دیگری شود، آن درآمد علی‌رغم مواد (۷)، (۱۴) و (۱۵) این موافقتنامه مشمول مالیات دولت متعاهدی می‌شود که فعالیت‌های هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گیرد.

۳- علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده درآمدی که هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیتهای خود در چارچوب موافقتنامه فرهنگی میان دو دولت متعاهد تحصیل می‌نماید از مالیات آن دولت دیگر معاف می‌باشد.

#### **ماده ۱۸ - حقوق بازنشستگی**

۱- حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاهد به‌ازای خدمات گذشته فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود. این مقررات برای مستمریهای سالانه مادام‌العمر پرداختی به مقیم یک دولت متعاهد به‌کار می‌رود.

۲- علی‌رغم مقررات بند (۱) این ماده حقوق بازنشستگی و سایر موارد پرداختی به‌موجب قانون تأمین اجتماعی یا قانون استخدام کشوری یک دولت متعاهد مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.

#### **ماده ۱۹ - خدمات دولتی**

۱- حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه (به غیر از حقوق بازنشستگی) پرداختی توسط یا از محل صندوق ایجاد شده از طرف یک دولت متعاهد، تقسیم فرعی اداری، یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت، تقسیم فرعی اداری یا مقام محلی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.

۲- مع‌ذک، این حق‌الزحمه‌ها در صورتی فقط مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود که این خدمات در آن دولت انجام شود و آن شخص حقیقی مقیم آن دولتی باشد که:

- تابعیت آن دولت را داشته باشد، یا

- صرفاً به منظور انجام آن خدمات مقیم آن دولت نشده باشد.

۳- در مورد حقوق و مقرری‌های بازنشستگی بابت خدمات ارائه شده در رابطه با فعالیت‌های تجاری که یک دولت متعاقد یا مقام محلی آن انجام می‌دهد مقررات مواد (۱۵)، (۱۶) و (۱۸) این موافقتنامه مجری خواهد بود.

#### ماده ۲۰ - مدرسین، محصلین

۱- وجوهی که محصل یا کارآموزی که تبعه یک دولت متعاقد بوده و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاقد دیگر بسر می‌برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می‌دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر نخواهد بود، مشروط بر آنکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

۲- همچنین، حق‌الزحمه دریافتی توسط مدرس یا معلمی که تبعه یک دولت متعاقد بوده و به منظور تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره‌هایی که از دو سال تجاوز نکند در دولت متعاقد دیگر بسر می‌برد، از مالیات آن دولت متعاقد دیگر بر حق‌الزحمه بابت خدمات شخصی مربوط به تدریس یا تحقیق معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود. مفاد این بند در مورد درآمد حاصل از تحقیقاتی که اساساً برای منافع خصوصی شخص یا اشخاص بخصوصی انجام می‌شود مجری نخواهد بود.

#### ماده ۲۱ - سایر درآمدها

۱- اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است صرفاً مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود، مگر آنکه این‌گونه اقلام درآمد از منابعی در دولت متعاقد دیگر حاصل شده باشد، چنانچه این اقلام درآمد از منابع دولت متعاقد دیگر حاصل شده باشد در این صورت می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر هم بشود.

۲- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیرمنقول به‌نحوی که در بند (۲) ماده (۶) این موافقتنامه تعریف شده است، هرگاه دریافت‌کننده درآمد، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقرر دائم واقع در آن به کسب و کار بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در رابطه با آن حاصل شده است با این مقرر دائم یا پایگاه ثابت به نحو مؤثری مرتبط باشد،

مقررات بند (۱) این ماده مجری نخواهد بود. در این صورت حسب مورد مقررات مواد (۷) و یا (۱۴) این قانون اعمال خواهد شد.

#### ماده ۲۲ - آیین حذف مالیات مضاعف

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد درآمدی حاصل کند که طبق مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر شود، دولت نخست اجازه خواهد داد مبلغی برابر با مالیات بردرآمد پرداختی در آن دولت متعاقد دیگر، به عنوان تخفیف از مالیات بردرآمد آن مقیم کسر شود. مع ذلک در هر مورد، این گونه کسورات نباید از میزان مالیاتی که پیش از کسر، حسب مورد به درآمد تعلق می گرفته، بیشتر باشد.

۲- در صورتی که طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از مالیات آن دولت معاف باشد، دولت مزبور می تواند علی رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقی مانده درآمد این مقیم، درآمد معاف شده را منظور کند.

#### ماده ۲۳ - عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر، مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن که سنگین تر یا غیر از مالیات یا الزاماتی است که اتباع دولت متعاقد دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی رغم مقررات ماده (۱) این قانون، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد نیستند نیز خواهد بود.

۲- مالیاتی که از مقر دائم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر اخذ می شود نباید از

مالیات مؤسسات آن دولت متعاقد دیگر که همان فعالیتها را انجام می دهند نامساعدتر باشد.

۳- مؤسسات یک دولت متعاقد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً، به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مالکیت یا

در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می باشد، در دولت نخست مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سنگین تر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که سایر مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۴- این مقررات به گونه ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید که هر نوع مزایای

شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسؤولیت های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می نماید به اشخاص مقیم دولت متعاقد دیگر نیز اعطاء کند.

#### ماده ۲۴ - آیین توافق دوجانبه

۱- در صورتی که شخصی بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاقد در مورد وی از لحاظ

مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمی‌باشد، صرف‌نظر از طرق احقاق حق پیش‌بینی شده در قوانین ملی دولتهای مزبور، می‌تواند اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱) ماده (۲۳) این قانون باشد به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که تبعه آن است، تسلیم نماید. اعتراض باید ظرف سه سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه منتهی شده، تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه حل مناسبی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی‌باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاهد دیگر موضوع را فیصله دهد.

۳- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد تلاش خواهند کرد که کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با توافق دوجانبه فیصله دهند و همچنین می‌توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش‌بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد می‌توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین، مستقیماً با یکدیگر ارتباط حاصل کنند. مقامات صلاحیتدار با مشورت یکدیگر، آیین‌ها، شرایط، روشها و فنون مقتضی را برای اجرای آیین توافق دوجانبه مندرج در این ماده فراهم می‌آورند.

#### ماده ۲۵ - تبادل اطلاعات

۱- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد اطلاعات ضروری برای اجرای مقررات این موافقتنامه یا برای اجرای قوانین داخلی غیر مغایر با این موافقتنامه را که مربوط به مالیاتهای مشمول این موافقتنامه باشد، مبادله خواهند کرد. مفاد ماده (۱) این قانون موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی‌شود. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاهد دریافت می‌شود، به همان شیوه‌ای که اطلاعات به دست آمده تحت قوانین داخلی آن دولت نگهداری می‌شود به صورت محرمانه تلقی خواهد شد و فقط برای اشخاص یا مقامات از جمله دادگاهها و مراجع اداری که به امر تشخیص، وصول، اجرا یا پیگیری اشتغال دارند یا درمورد پژوهش‌خواهی‌های مربوط به مالیاتهای مشمول این موافقتنامه تصمیم‌گیری می‌کنند، فاش خواهد شد. اشخاص یا مقامات یاد شده، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می‌توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی‌های علنی دادگاهها یا طی تصمیمات قضایی فاش سازند.

۲- مقررات بند (۱) این ماده در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را وادار

سازد:

الف - اقدامات اداری خلاف قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاهد دیگر اتخاذ نماید.



ب - اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا روش اداری متعارف خود یا دولت متعاقد دیگر قابل تحصیل نیست.

ج - اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای یا فرآیند تجاری شود یا افشای آن خلاف خط مشی عمومی (نظم عمومی) باشد.

#### ماده ۲۶ - اعضای هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی و مناصب کنسولی

مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالی اعضای هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین‌الملل یا مقررات موافقتنامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

#### ماده ۲۷ - لازم‌الاجراء شدن

۱- دولتهای متعاقد یکدیگر را از رعایت الزامات قانون اساسی که برای لازم‌الاجراء شدن این

موافقتنامه به عمل می‌آورند مطلع خواهند نمود.

۲- این موافقتنامه از تاریخ آخرین اطلاعیه موضوع بند (۱) این ماده لازم‌الاجراء و مقررات آن به شرح

زیر به مورد اجرا گذارده خواهد شد:

الف - در مورد مالیات‌های تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از تاریخ یازدهم دی‌ماه برابر با اول

ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم‌الاجراء می‌گردد، حاصل می‌شود.

ب - در مورد سایر مالیات‌های بردرآمد به آن‌گونه از مالیات‌های متعلقه به هر سال مالیاتی که از تاریخ

یازدهم دی‌ماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم‌الاجراء می‌گردد،

شروع می‌شود.

#### ماده ۲۸ - فسخ

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاقد فسخ نشده لازم‌الاجراء خواهد بود. هر یک از

دولتهای متعاقد می‌تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارائه یادداشت فسخ، حداقل شش ماه قبل از

پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنج‌ساله از تاریخی که موافقتنامه لازم‌الاجراء می‌گردد، فسخ نماید. در این

صورت این موافقتنامه در موارد زیر اعمال نخواهد شد:

الف - نسبت به مالیات‌های تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از تاریخ یازدهم دی‌ماه برابر با اول

ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، حاصل می‌شود.

ب - نسبت به سایر مالیات‌های بردرآمد، به آن‌گونه از مالیات‌های متعلقه به هر سال مالیاتی که از تاریخ

یازدهم دی‌ماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، شروع

می‌شود.

در تأیید مراتب فوق، امضاءکنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود به نحو مقتضی مجاز می‌باشند این موافقتنامه را امضاء نمودند. این موافقتنامه در دو نسخه در تهران در تاریخ دهم مهرماه ۱۳۷۷ هجری شمسی برابر با دوم اکتبر ۱۹۹۸ میلادی به زبانهای فارسی، انگلیسی و لهستانی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف دولت  
جمهوری اسلامی ایران

از طرف دولت  
جمهوری لهستان

**پروتکل اصلاحی موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بردرآمد بین دولت جمهوری**

**اسلامی ایران و دولت جمهوری لهستان**

امضاء شده در تهران به تاریخ دهم مهر ۱۳۷۷ (دوم اکتبر ۱۹۹۸)

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری لهستان با تمایل به انعقاد پروتکل اصلاحی موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بردرآمد، امضاء شده در تهران به تاریخ دهم مهرماه ۱۳۷۷ هجری شمسی برابر با دوم اکتبر ۱۹۹۸ میلادی (که از این پس « موافقتنامه » نامیده می‌شود) توافق نمودند که متن فارسی، لهستانی و انگلیسی موافقتنامه مذکور به شرح زیر اصلاح گردد:

**الف - متن فارسی :**

**ماده ۱-** متن زیر جایگزین عنوان موافقتنامه می‌گردد:

« موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری لهستان به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بردرآمد. »

**ماده ۲-** متن زیر جایگزین مقدمه موافقتنامه در ابتدای صفحه دوم آن می‌گردد:

« دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری لهستان با تمایل به انعقاد موافقتنامه‌ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بردرآمد به شرح زیر توافق نمودند: ».

**ماده ۳-** عبارت زیر جایگزین سطر اول بند (۳) ماده (۲) موافقتنامه می‌گردد:

« ۳ - مالیاتهای موجود مشمول این موافقتنامه به‌ویژه عبارتند از:».

**ماده ۴-** در جزء (الف) بند (۱) ماده (۳) موافقتنامه متن زیر جایگزین تعریف اصطلاح «جمهوری

اسلامی ایران» می‌گردد:

« اصطلاح «جمهوری اسلامی ایران» به مناطق تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران

اطلاق می‌شود.».

**ماده ۵-** بند (۱) ماده (۴) موافقتنامه به شرح زیر اصلاح می‌شود:

« ۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاقد» به هر شخصی اطلاق می‌شود که به موجب قوانین آن دولت، از حیث محل سکونت، اقامتگاه، محل ثبت یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد و شامل آن دولت یا مقام محلی نیز خواهد بود. با وجود این اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً به لحاظ کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت، مشمول مالیات آن دولت می‌شود.».

**ماده ۶-** متن زیر جایگزین بند (۱) ماده (۷) موافقتنامه می‌شود:

« ۱- درآمد حاصل از فعالیت تجاری مؤسسه یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر این‌که این مؤسسه از طریق مقر دایم واقع در دولت متعاقد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد. چنانچه مؤسسه از طریق مزبور به کسب و کار پردازد درآمد آن مؤسسه فقط تا حدودی که مرتبط با مقر دایم مذکور باشد، مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر می‌شود.».

**ماده ۷-** متن زیر جایگزین قسمت اخیر بند (۱) ماده (۲۲) موافقتنامه می‌شود:

« مع‌ذک در هر مورد این‌گونه کسورات نباید از میزان مالیاتی که پیش از کسر، حسب مورد در آن

دولت دیگر به درآمد تعلق می‌گرفته بیشتر باشد.».

**ب - متون انگلیسی و لهستانی :**

**ماده ۸-** متن زیر جایگزین جزء (الف) بند (۱) ماده (۳) این موافقتنامه در، تعریف اصطلاح «

جمهوری اسلامی ایران» می‌گردد:

« اصطلاح «جمهوری اسلامی ایران» به مناطق تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق

می‌گردد.».

**ماده ۹-** متن زیر جایگزین بند (۱) ماده (۴) موافقتنامه می‌شود:

« ۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاقد» به هر شخصی اطلاق می‌شود که به موجب قوانین آن دولت، از حیث محل سکونت، اقامتگاه، محل ثبت یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد و شامل آن دولت یا مقام محلی نیز خواهد بود. با وجود این اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد

بود که صرفاً به لحاظ کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت، مشمول مالیات آن دولت می‌شود».

**ماده ۱۰ -** تاریخ امضاء موافقتنامه به شرح زیر اصلاح می‌شود:

« این موافقتنامه در دو نسخه در تهران در تاریخ دهم مهر ماه ۱۳۷۷ هجری شمسی برابر با دوم اکتبر ۱۹۹۸ میلادی به زبانهای فارسی، لهستانی و انگلیسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود».

**ماده ۱۱ -** اجرای پروتکل

۱- دولتهای متعاقد یکدیگر را از رعایت الزامات قانون اساسی که برای لازم‌الاجراء شدن این پروتکل به عمل می‌آورند مطلع خواهند نمود.

۲- این پروتکل که جزء لاینفک موافقتنامه می‌باشد از همان تاریخی که موافقتنامه لازم‌الاجراء می‌گردد لازم‌الاجراء خواهد بود.

۳- اجرای این پروتکل از همان زمانی که اجرای موافقتنامه طبق ماده (۲۸) موافقتنامه متوقف می‌شود، متوقف خواهد شد.

این پروتکل در دونسخه در ورشو در تاریخ بیست و پنجم آذر ۱۳۸۳ هجری شمسی برابر با پانزدهم دسامبر ۲۰۰۴ میلادی به زبانهای فارسی، لهستانی و انگلیسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.  
بنا به مراتب فوق امضاءکنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود به‌نحو مقتضی مجاز می‌باشند این پروتکل را امضاء نمودند.

از طرف دولت

جمهوری اسلامی ایران

از طرف دولت

جمهوری لهستان

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه شامل مقدمه و بیست و هشت ماده و پروتکل اصلاحی آن در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیستم فروردین ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۵/۲/۶ به تأیید شورای نگهبان رسید.

رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل

